

متن پرسش

با سلام: در یکی از سوال‌ها دیدم که روایتی از امام ابوالحسن الرضا (علیه السلام) برای توصیف زمامدار امت و ولی فقیه آورده‌اید که امام می‌فرماید: **إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا اخْتَارَهُ اللَّهُ لِلْأُمُورِ عِبَادِهِ شَرَحَ صَدْرَهُ فَلَمْ يَعْجِ بَعْدَهُ بِجَوَابٍ وَ لَمْ تَجِدْ فِيهِ غَيْرَ صَوَابٍ فَهُوَ مُوَفَّقٌ مُسَدَّدٌ مُؤَيَّدٌ** با یک جستجو دیدم که بعد از **وَلَا يَحِيرُ فِيهِ عَنِ الصَّوَابِ** ، آورده است: **فَهُوَ مَعْصُومٌ مُؤَيَّدٌ ، مُوَفَّقٌ مُسَدَّدٌ ، قَدْ أَمِنَ الْخَطَايَا وَالزَّلَالَ وَالْعِتَارَ ، يَخُصُّهُ اللَّهُ بِذَلِكَ لِيَكُونَ حُجَّتَهُ عَلَى عِبَادِهِ ، وَ شَاهِدَهُ عَلَى خَلْقِهِ ، وَ «ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ وَ** در تحف العقول هم بعد از کلمه **مُؤَيَّدٌ** آورده است که: **قَدْ أَمِنَ مِنَ الْخَطَا وَالزَّلَلِ ، خَصَّهُ بِذَلِكَ لِيَكُونَ ذَلِكَ حُجَّةً عَلَى خَلْقِهِ ، شَاهِدًا عَلَى عِبَادِهِ ، فَهَلْ يَقْدِرُونَ عَلَى مِثْلِ هَذَا فَيَخْتَارُونَهُ فَيَكُونُ مَخْتَارَهُمُ بِهَذِهِ الصِّفَةِ؟! .** چند نکته به نظر رسید: اول اینکه: این روایت در خصوص معرفی امام معصوم علیه السلام است که در کتاب تحف العقول آورده شده است. و در منابع دیگر ذکر شده است که آن زمامدار **مَعْصُومٌ مُؤَيَّدٌ ، مُوَفَّقٌ مُسَدَّدٌ** است. دوم اینکه: در ادامه حدیث می‌فرماید که امام: **قَدْ أَمِنَ مِنَ الْخَطَا وَالزَّلَلِ :** از هر اشتباه و لغزشی به دور است. سوم: امام رضا علیه السلام در معرفی امام معصوم می‌فرماید: **يَخُصُّهُ اللَّهُ بِذَلِكَ لِيَكُونَ حُجَّتَهُ عَلَى عِبَادِهِ:** خدا آن شخص که زمامدار امت و امام مردم است از خطایم داشت تا حجتی بر آفریدگانش باشد. چهارم: در آخر حدیث اما رضا (ع) می‌فرماید: **فَهَلْ يَقْدِرُونَ عَلَى مِثْلِ هَذَا فَيَخْتَارُونَهُ فَيَكُونُ مَخْتَارَهُمُ بِهَذِهِ الصِّفَةِ؟! .** آیا بندگان توان این را دارند که چنین شخصی را با این ویژگی‌ها انتخاب کنند؟ (استفهام انکاری) بندگان خدا نمی‌توانند شخصی با این صفات را برای رهبری و امامت انتخاب کنند. و اینکار تنها در توان خداست. پس شما چرا یک حدیثی که آنقدر واضح در مورد معصومین (علیهم السلام) است را برای یک شخص غیرمعصوم که ولی فقیه باشد به کار می‌برید؟ حال آنکه ایشان خطا هم داشته است و اعتراف کرده. (مسأله کنترل جمعیت)

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: همان‌طور که متوجه شده‌اید مصداق اصلی آن روایت امام معصوم است. ولی در ابتدای حدیث حضرت متذکر می‌شوند **«إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا اخْتَارَهُ اللَّهُ لِلْأُمُورِ عِبَادِهِ»** و از این طریق زمینه‌ی توسعه‌یافتن روایت را به مخاطب می‌دهند. بدین معنا که خداوند هرکس را به همان اندازه که برای اداره‌ی امور بندگان‌ش انتخاب کند، به همان اندازه مدهای فوق‌الذکر را به او ارزانی می‌دارد و در

این رابطه است که ما به نایب ائمه رجوع می‌کنیم، در آن حدّ که حضرت صاحب الأمر «عجل‌الله‌تعالی‌فرجه» در تأیید نواب خود می‌فرمایند: سخن آن‌ها سخن من است. زیرا ذیل الطافی که به امام می‌شود، آنان نیز مورد لطف الهی قرار می‌گیرند. در راستای چنین آموزه‌ای حضرت امام صادق (ع) می‌فرمایند: رسول خدا (ص) فرمودند: «يَحْمِلُ هَذَا الدِّينَ فِي كُلِّ قَرْنٍ عُدُولٌ يَنْفُونَ عَنْهُ تَأْوِيلَ الْمُبْطِلِينَ وَ تَحْرِيفَ الْعَالِينَ وَ انْتِحَالَ الْجَاهِلِينَ كَمَا يَنْفِي الْكَبِيرُ حَبَثَ الْحَدِيدِ»^[۱] در هر قرن انسانهای متعادل و عدولی هستند که این دین را حمل نموده و هرگونه تأویل اهل باطل و تحریف افراطیون، و ادعاهای جاهلین را از آن دور می‌گردانند، همانطور که کوره ی آهنگران پلیدی و چرکی آهن را پاک می‌کند. موفق باشید

[۱] (۲) - بحار الأنوار، ج ۲، ص: ۹۳.